

عنوان مقاله:

هشت نظریه روان درمانی در مثنوی مولوی

محل انتشار:

همایش ملی ادبیات غنایی (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسنده:

مأده شیری - دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

خلاصه مقاله:

زندگی پرهیاهوی امروز، بشر را در هاله ای از ابهام و سردرگمی غرق کرده و روح و روان او را دستخوش آفات بسیاری کرده است؛ از این رو به دنبال راهی می گردد تا آرامش از دست رفته را باز یابد و روان رنج یافته خویش را تسکین دهد. اندیشمندان حوزه روان درمانی با ارایه نظریه های مختلف به راه های مختلف درمان نابسامانی های روحی افراد اشاره کرده اند؛ غافل از اینکه سالها پیش، در ادبیات کهن ایران زمین، بزرگ مردی چون مولانا جلال الدین محمد در اثر فاخر خویش _ مثنوی _ با شیوه ای هنرمندانه و ادبی نظریه های روان درمانی را به مخاطب خویش ارائه کرده است. اشعار عرفانی، وزین و پرمعنای مثنوی، خود گواه این است که این اثر، علاوه بر محتوای عمیق ادبی و هنری، می تواند جایگزین مناسبی برای انواع روان درمانی ها باشد. آنچه را که سالها بعد فروید، آدلر، آلبرت الیس، راجرز و دیگر نظریه پردازان حوزه روان درمانی به آن اشاره داشته اند، مولانا در حریری از الفاظ ناب ادبی به مخاطب بخشیده و او را در جستجوی آرامش یاری رسانده است. در این مقاله به صورت نقد و تطبیق، ضمن بررسی نظریه های روان درمانی از جمله: روانکاوی، روان درمانی آدلر، رفتار درمانی، نظریه عقلانی _ عاطفی الیس، درمان مراجع محوری، گشتالت درمانی، تحلیل ارتباط محاورهای و واقعیت درمانی، به مصادیقی از آنها در این اثر ارزشمند، اشاره خواهد شد.

کلمات کلیدی:

مولوی، مثنوی، روان درمانی، نظریه ها، مصداق ها

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/521033>

